

عفت چیست؟ و عقیف چیست؟

همانطوریکه بزرگان گفته اند الفاظ آئینه‌هایی هستند که در خود، معانی و ارتباطات خاص ما بین معنی و لفظ را حکایت میکنند ولی بر اثر عواملی که فعلاً در صدد بیان نیستیم این ارتباطات در برخی از الفاظ و کلمات یا بطور کلی قطع و گسسته شد و یا اینکه شبح و نمودی بیش، از آن باقی نمانده و از دور بچشم نمیخورد، میان هزاران کلماتی که معانی آنها بکلی در بوته نسیان و طاقچه فراموشی قرار گرفته و جز اسمی از آنها در سرزبانها باقی نمانده است میشود لفظ عفت را نامبرد این لفظ مانند بسیاری دیگر از الفاظ در روزگار پیشین و دوران نیاکان ما مقامی بس رفیع و ارجمند داشت پدران و نیاکان ما برای او و کسانی که آئینه وار حاکی وجود خارجی او بودند ارزش بسزائی قائل بودند ولی بنا بر قول دیالیکتسین‌های مادی که معتقدند همه چیز حتی مفاهیم در حال تغییر است لفظ عفت نیز پا از گلیم خویش فراتر نهاده و ماسک دیگری بر سیمای دلربایش زده است. ما اینک معنای حقیقی و چهره زیبای لفظ عفت را از لسان دانشمندان علم اخلاق نشان میدهیم تا معلوم و هویدا گردد که دست اجانب و انگشت اهریمن نابکار خارجی حتی معانی الفاظ و کلمات را برای ما سالم نگذاشت. دانشمندان مزبور وقتیکه در قسمتهای تعادلی قوا سخن بیان میآورند و تمام خصائل اخلاقی را در سه قوه بنام شجاعت که حد اعتدال بین جبن و تهور است و حکمت که حد متوسط بین جربزه و بلاد است و عفت که حد واسطه میان شره و خمودی است خلاصه میکنند عفت را چنین تعریف میکنند (*العفة انقیاد القوة الشهویة للعاقلة فی ماتامرها به و تنهاها عنه حتی تکتسب الحریة و تخلص امر عبودیة الهوی*) عفت بندگی کردن قوای شهوانیه انسانیت مرئی و عاقله را در اطاعت او امر و تنواهی آن تا آنکه بدینوسیله خویشتن را از بندگی نفس اماره رهائی بخشیده و آزادی واقعی را بدست آورده باشد بنا بر این شخص با عفت و آدم عقیف بکلی گفته میشود که زمام امور کشور تن و تمایلات گوناگون مملکت بدن را بدست توانای فرمانفرمای مطلق جسم «عقل» سپرده و خویشتن را در جمیع شئون حیاتی و حوادث دوران بیهوده نبوده باشد. اگر آدمی بخواهد از بندگی هوای نفس و دیوسرکش شهوات نجات یابد و از زیر ضربات مهلك و طاقت فرسای تازیانه‌های وجدان خلاصی پیدا کند و از دستورات تکالیف سنگین و کمر شکن هوا هوس خلاصی جست طوق عبودیت حضرت سبحان بگردن نهد باید تمایلات و خواسته‌های نفسانی خویش را در محکمه عقل و خرد بیهوده سازد و گرنه بسیاه چال بدبختی سرنگون شده و در طوفانهای سهمگین حوادث غرق خواهد شد.

بزرگترین نشانه شخص عقیف صفات ذیل است ۱- عفت قلم: مردان و زنان عقیف جهان کسانی هستند که نیشهای قلم و خامه آنها همانند آمبولهایست که بوسیله آن داروهای شفا بخش را در کالبد مردم مریض و ناتوان تزریق میکنند نه مانند خنجرهای زهر آکین و شمشیرهای زهر آلود، خنجره ها و شاهرگ حیات مردم را با او پاره کنند پس آنانکه قلمهای ناپاک خویش

زادر راه انحراف عقائد مردم و یا کشتن صفات پسندیده اخلاقی و نابودی ملکات دینی
 بکار میبرند و با نوشتن داستانهای عشقی و رمانهای شهوت انگیز و تصنیفهای
 فضیلت کش بزرگترین خیانت و جنایت را به نسل بشر میکنند و بالاترین ضربات
 مهلك را بر پیکر نجیب اجتماع مینوازند. مردمی بی عفت و شیطان سیرتند
 ۲- عفت قدم : آمده زنان هرزه و جوانان بلهوسیکه مانند شب پره های ظلمت
 پسند تاریکیهای شب را سپر امیال پست و حیوانی خویش نموده بدنبال یکدیگر
 رهسپارند و با آمده زنان و مردانیکه به پیروی از خوی شیطانی به اماکن فساد
 قدم میگذارند و با آمده رجسالت و با نوانیکه در دستورها نها و کاباره ها
 و مجالس دانس و رقص با لباسهای ناگفتنی جلوه گری و طنز می کنند و از
 اینراه بازار فحشاء و منکرات را رواج بخشیده دامن انسانیت را لکه دار میکنند
 مردمی ناپاک و بی عفت خواهند بود ۳- عفت درم : کسانی که از راههای نامشروع
 از قبیل ربا و احتکار و رشوه و ظلم و سرقت و فروش ناموس و می فروشی
 و هزاران نظائر اینها پولهای هنگفتی بدست میآورند و در میان بانکهای خارجه
 و داخله ذخیره میکنند و حقوق فقرا و مستمندان را نادیده نمینمایند و بدینوسیله
 اختلافات طبقاتی را که مولد سیستم کمونیستی است بوجود میآورند و هر لحظه محیط خود را برای
 پذیرفتن روش اشتراکی و مساویت و کمونیستی مهیا میسازند مردمی بی عاطفه
 و حق کش و غیر عقیقت آری این آده زاده هائیکه برای بدست آوردن چند شاهی
 پول، فضیلت آدمیت را لگد کوب میکنند ، حق را باطل و باطل حق را جلوه
 میدهند و خورد را گول میزنند که اشرف مخلوقات و گل سرسبد عالم وجودند
 اودل المخلوقات و حفظ عالم وجودند ۴- عفت زبان : آنهائیکه دهانشان در و
 دروازه ای ندارد هر گونه کلیات ناپسند را برای پیشرفت مقاصد شوم خویش بکار
 میبرند و از گفتار ناستوده و ابلهانه و از تهمت و افتراء و دروغ و تملق و
 آوازه خوانی و تصنیف سرائی شهوت انگیز و گفتار ناهنجار و مبالغه آمیز
 خودداری نمیکنند ، نعمت خدا داد بیان را در راه باطل و کشتن فضائل بکار
 میبرند اهریمنان ناپکاری هستند که بصورت فرزندان آدم خود نمائی میکنند ولی
 آدم عقیق در تمام مراحل چهارگانه فوق در برابر چنین افراد و در صف مقابل
 آنان قرار گرفته است. متأسفانه مردمی بيشرم و بی آرزم در روزگار ما پیدا شده اند
 که بی عفتی را بعد اعلی و هرزگی را با آخرین درجه رسانیده اند شنیده ام در شب
 میلاد مسیح زنی در یکی از رستورانهای باشکوه تهران، پایتخت مملکت اسلامی بنام حوا
 با بدن لخت ، خود را در انظار مردم قرار داد و از اینراه جلب نظر ناظرین نمود واقعا
 اینها و هزاران نظائرشان که بعفت و جرثومه عفاف ظلم روا میدارند باید گفت حقیقت عفت
 را کشته و برجسدش نماز نخوانده مدفونش ساخته اند تفویرتو ای آدمیزاده ای خاک بر فرق
 تو ای زاده حوا که تا این اندازه دامن پاک و بی آك آدمیت و نیاکانت را آلوده ساختی
 آخرتاکي و تا چند باید در تیه ضلالت و وادی جهالت و گمراهی بسربری ؟ بیا و از
 خدا و اوایاه او و فطرت اصلی خود شرم کن و بیش از این دامن انسانیت را لکه دار منما
 من از مفصل این نکته مجملی گفتم - تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل